

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آن طور که بوده
و نه آن طوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(4)

مایکل سیرز- البرت کان

کتاب چهارم

برگردان: الف نسیم

2 - " نجات آمریکا از کمونیسم "

در سال ۱۹۳۱، در آمریکا "طرحی جهت سازماندهی یک جنبش بین المللی برای مبارزه با خطر سرخ" مورد حمایت مالی سازمانی موسوم به "فدراسیون همشهریان داخلی" قرار گرفت. روزنامه نگار سابق و متخصص در تبلیغات ضد کمونیستی و ضد کارگری، رالف ام. ایزلی (Ralph M. Easley)، پایه گذار و رهبر این سازمان بود. در سال ۱۹۲۷ "نرمان هاپ گود" (Norman Hapgood) مقاله‌ای در مورد مواضع "عمیق وطن پرستانه" ایزلی نوشت. او اعلام کرد:

« البته، برای آقای ایزلی اتحاد جماهیر شوروی، بزرگترین کراهت بود. او به همراه آقای بوریس (Mr. Boris)، به صورتی داوطلبانه جنبش تزاریسیم را مورد حمایت مالی قرار داده است. »

هامیلتون فیش (Hamilton Fish) نماینده‌ی کنگره در نیویورک، "هاری آگوستوس یونگ" () در شیکاگو مبلغ ضد یهودی و جاسوس با سابقه در میان سازمان‌های کارگری، "جورج سیلوستر فیراک" (Sylvester Viereck)، جاسوس سابق "قیصر آلمان" و بعداً جاسوس نازی "ماتیو وول" (Matthew Woll)، معاون ارتجاعی فدراسیون کار و جانشین موقت ریاست "اتحادیه همشهریان داخلی"، "آ.اف.ال." که آشکارا اتحاد جماهیر شوروی را "هیولای وحشتناک سرخ" می‌نامید، و تعداد دیگری از افراد بلند پایه‌ی ضد بلشویک‌ها در آمریکا، از جمله اعضای سازمان "فدراسیون همشهریان داخلی" متعلق به آقای ایزلی بودند.

در آغاز سال ۱۹۳۳ ایزلی ریاست سازمانی به نام "بخش آمریکائی کمیته‌ی بین المللی برای مبارزه بر علیه‌ی تهدیدات کمونیستی" را به عهده گرفت. مقر این سازمان در برلین قرار داشت. تعداد زیادی از اعضای "اتحادیه‌ی همشهریان داخلی"، به عضویت این سازمان درآمدند. در همان سال "آلفرد روزنبرگ"، آژانسی را که در اصل فرم اولیه‌ی ضد کمینترن محسوب میشد و وظیفه‌اش رهبری تبلیغات ضد روسی در سطح جهان بود، در برلین سازماندهی کرد. این سازمان "کمیته‌ی بین المللی برای مبارزه بر علیه خطر بلشویک‌ها" نام گرفت. از دیگر سازمان‌هایی که تحت رهبری این سازمان عمل میکردند میتوان از:

انجمن‌های ضد کمونیستی آلمانی

بلوک ضد کمونیستی آمریکای جنوبی

اتحادیه ضد کمونیستی چین شمالی

اتحادیه ضد کمونیستی اروپائی

بخش آمریکائی از کمیته‌ی بین المللی برای مبارزه بر علیه‌ی تهدیدات جهانی کمونیست‌ها
نام برد.

این شاخه‌ی آمریکائی بود که به صورتی آشکار اولین نوشته‌های تبلیغاتی نازی‌ها را در ایالات متحده آمریکا منتشر کرد. این نوشته‌ها به صورت کتابی ضد شوروی در آمد و در انگلیس تحت نام "کمونیسم در آلمان" چاپ شد. این کتاب در آلمان توسط چاپخانه‌ی "اکهارت" به چاپ رسیده بود. هزاران نسخه از این کتاب از طریق اقیانوس اطلس جهت توزیع در آمریکا فرستاده شد. از طریق توزیع گسترده به وسیله‌ی پست، و در جریان برگزاری جلسات "ناسیونالیستی" در نیویورک، لوس آنجلس، شیکاگو و دیگر شهرها، این کتاب به صورتی وسیع و بدون هزینه‌ی پست و پخش به دست مردم رسانده شد. تبلیغات وسیعی در روزنامه‌ها، در سخنرانی‌ها، در جلسات و به شکل ارسال نامه، جهت هر چه بهتر معرفی کردن کتاب در سطح ایالات متحده آمریکا آغاز شد. این کتاب با این نقل قول آغاز می‌شود:

« در آغاز این سال، طی چند هفته چنان احساس می‌شد که ما با آغاز هرج و مرج بلشویکی سر مویی فاصله نداشتیم! »
صدر اعظم هیتر، در اعلامیه خود، اول سپتامبر ۱۹۳۳

این جملات در صفحه بعد دیده می‌شود:

« چرا آمریکائی‌ها باید این کتاب را بخوانند. »
« مسئله‌ی تبلیغات کمونیستی، فعالیت آنها و بخصوص مسئله‌ی مورد سؤال روز، به عبارت دیگر به رسمیت شناختن اتحاد جماهیر شوروی توسط دولت ایالات متحده آمریکا، از با اهمیت ترین مسائل مردم آمریکا محسوب می‌شود. این کتابی است چالش طلبانه که باید توسط هر فرد کنجکاوی مطالعه شود، چرا که تاریخ مبارزه میان مرگ و زندگی را که آلمان با آن در مبارزه با کمونیسم تجربه کرده، نشان می‌دهد. نشان می‌دهد که روش‌های سرنگون سازی و خرابکاری که کمونیست‌ها در آلمان تجربه کرده‌اند، همان تجربیات است که توسط دشمنان این مردم متمدن در ایالات متحده آمریکا مورد ستایش قرار می‌گیرد. ارزش این افشاگری که باید به عنوان مطلبی آموزنده در کشورهای دیگر مورد مطالعه قرار گیرد، کمیت‌های ما را بر آن داشت که آن را در اختیار رهبران افکار عمومی در سراسر ایالات آمریکا قرار دهیم. »

این اظهارات توسط اعضای رهبری "شاخه‌ی آمریکائی کمیته‌ی بین المللی برای مبارزه بر علیه‌ی تهدیدات کمونیست‌ها" امضاء شده بود:

« والتر سی. کول (Walter C. Cole)، رئیس شورای دفاع و هیئت تجارتي در دیترویت.

جان رس دیلافلد (John Ross Delatfield)، فرمانده نیروهای نظامی، و یکی از مسئولان برپائی جنگ جهانی.

رالف ام. ایزلی (Ralph M. Easley)، رئیس اتحادیه‌ی همشهریان داخلی. هامیلتون فیش، عضو کنگره.

الون هانتینگتون هوکر (Elon Hantington)، رئیس اتحادیه دفاع آمریکائی.

اف. او. جانسون (F. O. Johnson)، رئیس اتحادیه "یک آمریکای بهتر".

اورول جانسون (Orvel Johnson)، ژنرال.

هاری یانگ (Harry Jung)، (رئیس کانون اطلاعات و هوشمندان آمریکایی).
 ساموئل مک رابرتز (Samuel McRoberts)، مدیر بانک.
 سی.جی. نورمن (C.G. Norman)، رئیس اتحادیه شرکت‌های ساختمانی.
 الیس سیرل (Ellis Searle)، سردبیر "یونایتد ماین ورکر".
 والتر اس. استیل (Walter S. Steel)، سردبیر "ناشنال ریپابلیک".
 جان بی. ترنور (John B. Trevor)، رئیس "آمریکن کولیشن".
 آرچیبالد ای. استیونسون (Archibald E. Stevenson)، عضو سابق سازمان
 جاسوسی آمریکا.
 بخش آمریکایی کمیته‌ی بین‌المللی برای مبارزه بر علیه‌ی تهدیدات کمونیستی. »

در اینجا به پیشینه‌ی تعدادی از آمریکایی‌هایی که به کتاب تبلیغاتی نازی‌ها "کمونیسم در آلمان"،
 در آلمان کمک مالی کردند نگاهی می‌کنیم:

"هاری آگوستوس یانگ" (Harry Augustus Jung)، که یکی از جاسوسان جنبش کارگری
 محسوب می‌شد، رهبری سازمانی ضد دموکراسی در شیکاگو را به نام "کانون اطلاعات و هوشمندان
 آمریکایی" (American Vigilante Intelligence association)، به عهده داشت
 نشریه آنها به نام "وجیلنت" (هوشیاری) از طرف سازمان جاسوسی نازی‌ها به نام "ورلد
 سرویس" مورد حمایت قرار گرفته و خواندن آن به همه توصیه می‌شد. "پتر آفاناسیف" (Peter
 Afanassjew)، یک گارد سفید روس، از جمله شرکای قدیمی یانگ در تشکیلات ضد روسی بود که به
 پخش ترجمه‌ی "پروتکل صهیونیست‌ها" در ایالات متحده آمریکا کمک کرد. بعدها "یانگ" یکی از
 دوستان خوب سرهنگ رابرت ار. مک کورمیک (Robert R. McCormick)، که ناشر روزنامه‌ی ضد
 شوروی و پرخاشجوی "شیکاگو تریبون" شد و دفتر خود را در برج تریبیون در شیکاگو باز کرد.
 "والتر اس. استیل"، سردبیر روزنامه "ناشنال ریپابلیک" که تبلیغات بدون وقفه‌ای را بر علیه‌ی
 شوروی رهبری می‌کرد، هدفش این بود که در میان تاجران آمریکایی نفوذ کند. او به یانگ در پخش
 "پروتکل صهیونیست‌ها" کمک کرد.

"جیمز بی. ترنور" رهبر "اتحادیه آمریکایی‌ها" بود، سازمانی که در سال ۱۹۴۲ از طرف
 وزارت دادگستری متهم شد که به صورتی توطئه آمیز قصد تخریب روحیه‌ی نیروهای مسلح آمریکایی را
 داشت. "ترنور" در ارتباطی بسیار نزدیک با روس‌های سفید ضد شوروی قرار داشت و سازمان او به
 صورتی مستمر، تبلیغات شدیدی را بر علیه‌ی اتحاد جماهیر شوروی به پیش می‌برد.
 "آرچیبالد ای. استیونسون" که زمانی عضو سازمان جاسوسی آمریکا بود، یکی از کسانی بود که
 طی جنگ جهانی دوم تبلیغات شدیدی را در ایالات متحده آمریکا بر علیه اتحاد جماهیر شوروی به پیش
 می‌برد. او رابطه‌ی بسیار نزدیکی با رالف ام. ایزلی داشت و متعاقب آن به سمت نماینده‌ی "مشاور
 اقتصادی شهر نیویورک"، یک محل تبلیغات ضد سوسیالیستی و ضد دموکراسی که رئیسش، مروین ک.
 هارت (Merwin K. Hart)، یکی از تبلیغاتچی دیکتاتور فاشیست اسپانیایی، ژنرال فرانکو بود، انتخاب
 شد.

"هامیلتون فیش" نماینده‌ی مجلس در نیویورک، در سال ۱۹۲۳ با سمت رئیس امور واردات و
 صادرات شرکت "هامیلتون فیش و شرکاء" از مسکو دیدن کرد. وقتی او به ایالات متحده آمریکا
 بازگشت، پیشنهادی را بر اساس برقراری روابط تجاری با اتحاد جماهیر شوروی به مجلس ارائه داد.
 بعدها او به یکی از مخالفان سرسخت شوروی در ایالات متحده آمریکا مبدل شد. در آغاز دهه‌ی سی به
 عنوان رئیس کمیته‌ی "تحقیق در مورد کمونیست‌های آمریکایی"، فیش سخنگوی اصلی گاردهای سفید،
 مخالفان اتحاد جماهیر شوروی در آمریکا و دیگر دشمنان قسم خورده‌ی شوروی بود. "بوریس

براسول" مأمور سابق "اوخرانا" و "جرج سیلوستر فیراک" مبلغ آلمانی از جمله "متخصصانی"، بودند که "فیش" را در جمع آوری اطلاعات کمک میکردند. وقتی هیتلر به قدرت رسید، "فیش" رهبر نازی‌ها را به عنوان مردی که آلمان را از گرفتار شدن در جنگ کمونیست‌ها نجات داده بود مورد ستایش قرار داد. به عنوان یکی از هواداران پر و پا قرص سیاست انزوگرانی و مصالحه، "فیش" با طرفداران معروف نازی‌ها متحد شد و تبلیغات آنها را در گزارش‌های عمومی مجلس درج کرد. در پانیز ۱۹۳۹ فیش به همراه وزیر امور خارجه‌ی آلمان "یواخیم فون ریبنتورپ"، وزیر امور خارجه‌ی ایتالیا "گراف گالنتزو چیانو" (Graf Galeazzo Ciano)، با دیگر متحدان نازی‌ها مذاکره کرد. فیش با یک هواپیمای آلمانی به کشورهای مختلف اروپا مسافرت کرد و مصراانه تقاضای یک مونیخ جدید و این که "کوشش‌های آلمان عادلانه بود" را موعظه می‌کرد. در فوریه سال ۱۹۴۲ در دادگاهی بر علیه جاسوس نازی‌ها "فیراک"، افشاء شد که دفتر "فیش" در ایالات متحده آمریکا توسط یک گروه تبلیغاتی نازی به عنوان مقر جاسوسی، مورد استفاده قرار گرفته بود و این که منشی "فیش"، "جورج هیل" یکی از آنها بود که تبلیغات آلمانی‌ها را در ایالات متحده آمریکا رهبری میکرد.

زمانی که پای آمریکا به جنگ جهانی دوم کشیده شد، بسیاری از سازمان‌های فاشیستی، که خود را به عنوان "ضد کمونیست" معرفی می‌کردند، در سراسر ایالات متحده آمریکا فعال بودند. این سازمان‌ها دستورات و در بسیاری موارد کمک مالی از برلین و توکیو دریافت میکردند. جاسوسان مزدور آلمان نازی، تعداد زیادی از این سازمان‌ها را پایه‌گذاری کرده بودند. برخی از این سازمان‌ها، از جمله اتحادیه‌ی آلمانی - آمریکایی و "اتحادیه‌ی کیف هویزر" (Kyffhäuser - Bund)، تلاشی در جهت نفی ارتباط خود با نیروهای خارجی نداشتند، در حالی که بقیه، از جمله پیراهن نقره‌ای‌ها، جبهه‌ی مسیحیان، گارد آمریکایی، اتحادیه‌ی وطن پرستان آمریکایی و جنگ‌های صلیبی به سبک آمریکایی، خود را به شکل مجمع وطن پرستان که به معنای "نجات آمریکا از خطر کمونیسم بود" بزرگ کرده بودند.

در سال ۱۹۳۹ کمتر از ۷۵۰ سازمان فاشیستی در ایالات متحده آمریکا ساخته شده بودند که با سیاست‌های موافق محور، ضد یهودی و بیانیه‌های رسمی، نشریه‌ها، اعلامیه‌های خبری و روزنامه‌های ضد شوروی، کشور را مورد هجوم قرار داده بودند. با شعار نجات آمریکا از خطر کمونیسم، این سازمان‌ها و انتشاراتشان، شعار سرنگونی دولت آمریکا، تشکیل یک دولت فاشیستی آمریکایی و اتحاد با دولت‌های فاشیستی بر علیه اتحاد جماهیر شوروی را تبلیغ میکردند.

در ۱۸ نوامبر سال ۱۹۳۶ رهبر پیراهن نقره‌ای هوادار نازی‌ها "ویلیم دادلی پلی" اعلام کرد:

« به ما اجازه بدهید که این مسئله را به روشنی توضیح بدهیم، که اگر جنگی داخلی در این کشور آغاز بشود، هدفش سرنگونی دولت آمریکا نیست، بلکه بیرون راندن کمونیست‌های جهود غاصب است که دولت آمریکا را به منظور به وجود آوردن شعبه‌ای تحت نظر مسکو به قبضه خود در آورده اند...»

پس از یورش آلمان نازی به اتحاد جماهیر شوروی، رهبر نازی پسند جبهه‌ی مسیحیان، "پاتر چارلز ای. کالین (Pater Charles E. Coughlin)"، در ۷ ژوئیه در ارگان تبلیغاتی خود، "سوسیال جاستیس" "عدالت اجتماعی"، اعلام کرد:

« جنگ آلمان بر علیه اتحاد جماهیر شوروی جنگی است به خاطر مسیحیت. ما به یاد می‌آوریم، که چطور کمونیست‌های بی‌خدا قبل از هر چیز به وسیله‌ی والدین جهود بی‌خدا در روسیه پس انداخته و متولد شدند. »

- از همین قبیل تبلیغات، توسط "جرالد بی. وین رودز" (Gerald B. Winrods)، در نشریه‌ی "دیفندر" (Defender) در ویچیتا، کانزاس:

- "ویلیام کول گرنز" (William Kullgrens)، در نشریه‌ی "بیکن لایت" (Beacon Light)، در آتاسکادرو، کالیفرنیا.

- کورت آشرز (Court Ashers) در نشریه‌ی "اکس - ری" در مونسی، ایندیانا.

- ای. جی. گارنر (E.J. Garners) در نشریه "پوبلیسیتی" در ویچیتا، کانزاس.

- چارلز بی. هودسون (Charles B. Hudsons) در نشریه‌ی "آمریکا در خطر" (America in Danger)، در اوماها، نبرسکا.

و تعداد زیاد دیگری نشریات مشابه هوادار نازی‌ها و ضد شوروی در سراسر ایالات متحده آمریکا منتشر میشد.

پس از "پرل هاربر" تعداد زیادی از این افراد توسط وزارت دادگستری به جرم پخش تبلیغات تحریک کننده و توطئه گرانه با جاسوسان نازی، به منظور سرنگونی دولت ایالات متحده آمریکا، به محاکمه کشیده شدند. با این وصف، طی تمام دوران جنگ، پخش تبلیغاتی از این قبیل که نیروهای فاشیستی یک "جنگ الهی" را دنبال میکنند و این که ایالات متحده آمریکا به وسیله‌ی کمونیست‌های توطئه گر جهود در واشنگتن، لندن و مسکو فریب خورده و به جنگ کشیده شده‌اند به صورتی مداوم ادامه داشت.

3 - داستان سقوط پائول شیفر

چند روز پس از حمله‌ی ژاپنی‌ها به پرل هاربر، پلیس آمریکا، روزنامه نگاری کوچک اندام، موقر و میانه سال اهل آلمان را که در یک مهمانسرای زیبا در نیویورک زندگی میکرد، دستگیر کرد. نام او پائول شیفر بود، ولی در بایگانی وزارت امور خارجه نام او به عنوان مفسر آمریکائی یک سازمان تبلیغاتی دولتی هوادار نازی‌ها، به نام "داس رایش" (Das Reich)، ثبت شده بود.

بررسی تاریخ زندگی پائول شیفر، نمونه‌ایست واضح که به روشنی نشان میدهد که چگونه نازی‌ها تحت پوشش مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی در ایالات متحده آمریکا فعالیت میکردند.

حتی جاسوسان ژاپنی هم در ایالت متحده آمریکا تبلیغات ضد روسی میکردند. به عنوان مثالی روشن میتوان از جریان، "جان سی. لی کلیر" (C. Le Clair)، نام برد که مدیر یک شرکت بین المللی تلفن بود و در گذشته معلم تاریخ در کالج دولتی نیویورک، و کالج "سنت فرانسیس" در بروکلین. او به عنوان یک فرد صاحب نظر در مورد مسائل خاور دور بود، لی کلیر مقالات بسیاری را در مدح ژاپن برای نشریات معروف آمریکائی می نوشت و در آنها ادعا میکرد که اتحاد جماهیر شوروی تهدید واقعی بر علیه ایالات متحده آمریکا بود. او حتی نگارش ستونی به نام "تفسیرها و پیش گوئی‌ها" را با محتوایی از تبلیغات مشابه، به عهده داشت. این مقالات در ۲۰۰ روزنامه و نشریه در سراسر کشور منتشر شد. مقاله‌ی "هیچ دوستی میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی مطلوب نیست" نمونه‌ایست مشخص از مقالات منتشر شده توسط "لی کلیر"، که در سال ۱۹۴۰ در نشریه‌ی "آمریکا" ظاهر شد. در پائیز سال ۱۹۴۳ او به وسیله‌ی کار آگاهان آمریکائی دستگیر، و در دادگاهی در نیویورک به محاکمه کشیده شد. در تاریخ ۸ سپتامبر او اعتراف کرد که طی سه سال به عنوان یک مبلغ مزدور برای دولت ژاپن کار میکرده. مأموریت او چند ماه قبل از جریانات پرل هاربر به پایان رسید.

زمانی پائول شیفر یک روزنامه نگار شناخته شده‌ی جهانی بود. از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۹ او با سمت یک مفسر روسی برای "برلینر تاگه بلات" (Berliner Tageblatt) به عنوان یکی از "شخصیت‌های

مطلع روسیه شناس" در سطح جهان معروف شد. گزارشات پر آب و تاب او از اتحاد جماهیر شوروی به ده‌ها زبان مختلف برگردانده شده بود. سیاستمداران بلند پایه، نویسندگان معروف، اداره کنندگان بزرگ صنایع و سرمایه‌گذاران اروپایی و آمریکایی از جمله دوستان و تحسین‌کنندگان بی‌شمار او بودند. در پائیز ۱۹۲۹ فعالیت‌های شیفر به عنوان یک مفسر روسی متوقف و به صورتی غیر منتظره پایان یافت. طی یکی از بازدیدهای موقتیش در آلمان، ارگان‌های دولتی اتحاد جماهیر شوروی به صورتی ناگهانی، بازگشت او را به اتحاد جماهیر شوروی ممنوع اعلام کردند. این ممنوعیت به شدت خشم هواداران او را برانگیخت. آنها می‌خواستند علل اتخاذ این تصمیم را از جانب اتحاد جماهیر شوروی بدانند. اما جواب این سؤال در دفتر بایگانی پلیس امنیتی روسیه قرار داشت و مهر سری بر آن خورده بود.

بخشی از دلایل، ۸ سال بعد در ۲ مارس ۱۹۳۸، در جریان اعترافات توطئه گر بلوک راست و کمیسر سابق کشاورزی، "میکائیل چرنوف" در دادگاه عالی اتحاد جماهیر شوروی، افشاء شد. "چرنوف" اعتراف کرد، که او ماهانه ۴۰۰۰ روبل از سازمان نظامی امنیتی آلمان، جهت دادن اطلاعات سری نظامی و اقتصادی روسیه و سازماندهی یک طرح بزرگ خرابکاری، دریافت می‌کرده است. او نام جاسوس آلمانی را که تحت نظر او اولین عملیات خرابکارانه‌ی خود را انجام داده بود، افشاء کرد. بر اساس اعترافات "چرنوف" این جاسوس آلمانی "مفسر برلینر تاگه بلات، پائول شیفر" نام داشت.

در 13 مارس ۱۹۳۸ میکائیل چرنوف تیرباران شد. تنها چند روز پس از اعدام "چرنوف"، پائول شیفر با سمت "مفسر روزنامه‌ی "برلینر تاگه بلات" به آمریکا آمد. پس از اخراج او از اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲9، او به یکی از فعال‌ترین و پر درآمدترین مبلغان ضد شوروی تبدیل شد. هفته‌ای نبود که یکی از مقاله‌های او که در آن به شدت به اتحاد جماهیر شوروی حمله شده بود و سقوط آن را در آینده‌ای نزدیک پیش بینی می‌کرد، در یکی از روزنامه‌های معروف آمریکا و یا اروپا به چاپ نرسد. پس از ازدواج با یک کنترس روسی به آمریکا رفت که بر علیه‌ی سیاست به رسمیت شمردن اتحاد جماهیر شوروی از طرف آمریکا تبلیغ کند. در مقاله‌ای در مجله‌ی "معاملات خارجی" که در "ریدرز دایجست" تجدید چاپ شد، شیفر به شدت اخطار داد:

« در صورتی که آمریکا تصمیم خود را در مورد به رسمیت شمردن بگیرد، ما میتوانیم در آینده بگوئیم که در سال ۱۹۳۱ آنها از روی تأمل، میان اروپای سرمایه‌داری و اتحاد جماهیر شوروی یکی را انتخاب کرده‌اند. سیاست به رسمیت شمردن از طرف آمریکا، جز این که دست اتحاد جماهیر شوروی را در حمله به کشورهای سرمایه‌داری اروپا باز تر کند، نتیجه‌ی دیگری در بر ندارد. »

وقتی که هیتلر به قدرت رسید، شیفر به عنوان مفسر "برلینر تاگه بلات" در لندن کار می‌کرد. او بلافاصله به آلمان بازگشت و به سمت سردبیر روزنامه‌ای که آن زمان تحت نظارت وزارت تبلیغات رایش اداره میشد، انتخاب شد.

او برای دوستان با نفوذ خود در خارج از کشور، که او را به عنوان یک خبرنگار لیبرال میشناختند، و از بازگشت او به آلمان به سختی متعجب شده بودند، به صورتی محرمانه توضیح داد که او مأموریتی سری و ضد نازی را در آلمان به عهده گرفته بود. او در حالی که خود را به فعالیت‌های آینده‌ی خود متمرکز کرده بود، سعی در حفظ روابط با ارزش خود در خارج کشور هم داشت. عجیب این‌که، بسیاری از رفقای او، توضیحات او را پذیرفتند.

سفیر آمریکا، "ویلیام ای. دود" (William E. Dodd) از جمله کسانی بود که شیفر موفق به قانع کردن او در مورد احساسات ضد نازی خود نشد. در ۱۵ نوامبر ۱۹۳۶ "دود" در دفتر خاطرات خود در مورد شیفر چنین نوشت:

« من شیفر را زیر نظر داشته و میدانم که او چند سال پیش سوسیال دمکرات بود، سال‌ها به عنوان مفسر برای یک روزنامه‌ی آلمانی در ایالات متحده آمریکا زندگی کرده است. و در حال حاضر یک نازی تمام عیار است. »

در زمستان ۱۹۳۷ شیفر دستور گرفت که در آمریکا زندگی کند. او بلافاصله از نیویورک تلگرافی، که مجموعه‌ی زیرکانه‌ای بود از تبلیغات ضد آمریکائی و اطلاعاتی که می‌توانست مورد علاقه‌ی ارگان‌های دولتی نازی‌ها باشد، به "برلینر تاگه بلات" فرستاد. از مدتها قبل به "شیفر" پست مفسر آمریکائی "داس رایش"، که ارگان تبلیغاتی و رسمی نازی‌ها بود، داده شده بود. در این پست، او نماینده‌ی رسمی دکتور گوبلز در ایالات متحده آمریکا محسوب میشد. یکی از وظایف او این بود که جو را در ایالات متحده آمریکا بر علیه‌ی اتحاد جماهیر شوروی بر انگیزد. مقالات ضد شوروی از "متخصص امور روسیه" شیفر، به صورتی منظم در روزنامه‌ها و نشریات آمریکائی به چاپ رسید. یکی از موضوعات مورد علاقه‌ی او دادگاه‌های مسکو بود. در حالی که شیفر این دادگاه‌ها را برای خوانندگان بی‌شمار آمریکائی خود تشریح میکرد، خود به عنوان جاسوس آلمان، مانند "بلوفی بزرگ" افشا شده بود. او بوخارین، پیاتاکف، رادک، و دیگر جاسوسان ستون پنجمی را به عنوان "بلشویک‌های واقعی" معرفی میکرد. ولی با این حال زیباترین تحسینات خود را برای ترسکی پس انداز کرده بود.

در مقاله‌ای به نام "از لنین تا استالین"، که در آوریل ۱۹۳۸ در یک فصل نامه‌ی معروف آمریکائی به نام "معاملات خارجی" به چاپ رسید، شیفر نوشت که استالین یک "آسیائی مکار" بود، که از بیماری حرص و آز، حسادت و قدرت طلبی رنج میبرد، و این که او ترسکیست‌ها را فقط به دلیل این که آنها مانعی بر سر راه او در جهت قبضه کردن قدرت بودند اعدام کرد.

فعالیت‌های تبلیغاتی شیفر در ایالات متحده آمریکا با توجه به دستگیری او پس از پرل هاربر ادامه داشت. در ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۳ روزنامه‌ی نیویورک تایمز در صفحه‌ی اول ضمیمه روز یکشنبه خود مقاله‌ای در مورد آلمان با امضای "کنراد لونگ" (Conrad Long)، به عنوان نویسنده به چاپ رسانده بود. در یادداشتی از طرف سردبیر، توضیح داده شده بود که نویسنده فردی بود که "دقیقا شرایط آلمان را در زمان جنگ حاضر" مورد مطالعه قرار داده بود. مقاله حاوی این خبر بود که:

« به نظر می‌آید که در این تابستان محصولات حبوبات در اوکراین به دلیل روش‌های استفاده شده از طرف آلمانی‌ها دو برابر شده بود. »

در واقع "کنراد لونگ"ی وجود نداشت. این یک نام مستعار بود. نویسنده‌ی "تایمز" پانول شیفر نام داشت.

پس از بازداشت شیفر، تعدادی از دوستان با نفوذ آمریکائی او، موفق شدند که او را از زندان آزاد کنند. آنها شرایط را برای او به شکلی آماده کردند که او می‌توانست تحت نام مستعار در "تایمز" بنویسد. آنها حتی موفق شدند که او به عنوان مشاور در امور معاملاتی آلمان برای فعالیت‌های سوق الجیشی در دفتر دولتی آمریکا استخدام شود.

در بهار ۱۹۴۴ شیفر دوباره توسط افراد وزارت دادگستری بازداشت شد. و این بار جای هیچ شکئی باقی نبود که این بار نماینده‌ی سابق و مخصوص دکتور گوبلز تا پایان جنگ در زندان باقی میماند.

* * * * *

بهمن ادیب 2007/08/18

